

پایان جیب بری های سریالی عروس و خواهر شوهرها

22 آذر 1401

دو خواهر با آموزش جیب بری به عروس خانواده راهی مراسم ختم و عزاداری ثروتمندان می شدند تا نقشه سرقت های سریالی را اجرا کنند.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت کیف دستی و تلفن همراهش خبر داد و گفت: یکی از همسایه هایمان که فردی معتمد و از بازاری های اصیل بود فوت کرد و به همراه همسر در مراسم تشییع جنازه او شرکت کردم.

بعد از پایان مراسم متوجه شدم که تلفن همراه و کیف پولم دستی ام که داخل آن کارت های عابر بانک و مقداری دلار بود از داخل کیفم به سرقت رفته بود.

به دنبال شکایت زن جوان تحقیقات آغاز شد و در ادامه کارآگاهان با شکایت های مشابه دیگری مواجه شدند. تمامی مالباختگان زنانی بودند که در مراسم تشییع جنازه یا ختم مردگان شرکت کرده بودند و سارق یا سارقان با شگرد جیب بری اقدام به سرقت کیف و پول هایشان کرده و کارت های بانکی و گوشی های تلفن همراهشان را به سرقت می بردند. تمامی سرقت ها در مناطق اعیان نشین شهر رخ داده بود.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی جیب برها ادامه داشت، زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از گرفتن مچ زنی خبر داد که قصد سرقت از کیف پولش در مراسم تشییع جنازه داشته است. به دنبال این تماس مأموران راهی محل شده و زن جوان به نام فتانه در بازجویی ها به جیب بری های سریالی با همدستی خواهر و عروسشان اعتراف کرد. این در حالی بود که در بررسی سوابق فتانه، مأموران دریافتند که به اتهام جیب بری 6 ماه قبل از زندان آزاد شده است.

با اعتراف زن جوان، خواهر و همسر برادرش بازداشت شده و به جیب بری از شرکت کنندگان در مراسم تشییع جنازه اعتراف کردند. با اعتراف سه زن جوان، تحقیقات برای شناسایی مالباختگان احتمالی آنها به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

گفت و گو با عروس خانواده

شیماء، زن جوانی است که به همراه دو خواهرشوهرش بازداشت شده است. او زمانی که ازدواج کرد تصورش را هم نمی کرد که شوهر و خانواده شوهرش در کار خلاف باشند.

چه شد که جیب بر شدی؟

من از خانواده ای فقیر اما آبرومند هستم. با محسن در فضای مجازی آشنا شدم و بعد از مدتی هم با او [ازدواج](#) کردم. اما خیلی زود متوجه شدم که همسر در کار خلاف است و به خاطر سرقت بازداشت شده بود. از طرفی خواهرشوهرهایم با اینکه وضع مالی خانواده شان متوسط بود اما خودشان وضع مالی خیلی خوبی داشتند. پارسال بود که چند ماهی خواهرشوهر بزرگم ناپدید شد و 6 ماه قبل بود که به خانه برگشت. تازه آن موقع بود که متوجه شدم او در مترو و ایستگاه های اتوبوس جیب بری می کرده و به همین خاطر بازداشت شده است.

چرا با آنها همدست شدی؟

چاره‌ای نداشتیم؛ یا باید جدا می‌شدم یا به زندگی با آنها ادامه می‌دادم. وقتی وضع مالی خوب خواهر شوهرهایم را دیدم، وسوسه شدم که همراه آنها شوم. خواهر شوهر بزرگترم، آموزش‌ها را می‌داد و من تمرین می‌کردم. آنقدر تمرین کردم تا اینکه یاد گرفتم و همراه آنها برای سرقت‌ها رفتم.

شگردتان برای این سرقت‌ها چه بود؟

من و خواهر شوهرهایم در مراسم تشییع جنازه در محل‌های اعیانی شرکت می‌کردیم و سعی می‌کردیم با گریه و زاری خودمان را جزو بستگان متوفی نشان دهیم. همان‌طور که در حال گریه و زاری بودیم، یکی از ما به سمت شرکت کنندگان مراسم می‌رفتیم و آنها هم که در حال گریه بودند و حال خوبی نداشتند متوجه نمی‌شدند. به آنها نزدیک می‌شدیم و دستانمان را در جیب یا کیفشان می‌بردیم و گوشی، کیف پول، مدارک هویتی، دلار و کارت عابر بانک سرقت می‌کردیم.

کارت‌های عابر بانک که به دزدتان نمی‌خورد؟

شاید باورتان نشود، داخل خیلی از کیف‌های پول و در کنار کارت‌های عابر بانک؛ رمز کارت‌هایشان بود. بعد ماسک و عینک می‌زدیم، تا چهره‌مان مشخص نباشد و به سراغ صرافی‌ها و طلافروشی‌ها می‌رفتیم و اقدام به خرید می‌کردیم. ما از مدارک شناسایی مالباخته‌ها هم استفاده می‌کردیم. خواهر شوهرم با آنها تماس می‌گرفت و در ازای مبلغی پول، مدارک آنها را برمی‌گرداند.

چرا مراسم تشییع جنازه را برای جیب‌بری و سرقت انتخاب می‌کردید؟

برای اینکه کسی حواسش نیست. از طرفی داخل کیف و جیب‌های ثروتمندان هم پول است و هم دلار. بعد هم آنها درگیر گریه و زاری هستند و به همین دلیل بهترین فرصت برای سرقت در مراسم تشییع جنازه است. ولی ما حواسمان بود. مثلاً اگرمن جیب‌بری می‌کردم، فوراً کیف سرقتی را به یکی از خواهر شوهرهایم می‌رساندم و او هم به خواهر دیگرش که اگر به من شک کنند و مرا بگردند، چیزی گیرشان نیاید. اما از شانس بد، آخرین نفری که سرقت کردیم، زن میانسالی بود که خیلی حواسش بود و به محض اینکه خواهر شوهرم دستش را داخل کیفش کرد، مچ او را گرفت.